

گزارشی از سفر ابن جبیر به عراق

احمد نبوی



ابوالحسن محمد بن احمد بن جبیر کنانی، معروف به ابن جبیر، شاعر، ادیب، فقیه و سیاح عرب، متولد سال ۵۴۰ق. در بلنسیه (والنسیا)، در شاطبه (خاتیوا) فقه آموخت و سه بار به مشرق سفر کرد و علاوه بر زیارت خانه خدا و شهرهایی که در راه اسپانیا به مکه است، از شهرهای مدینه، کوفه، بغداد، موصل، حلب و دمشق دیدن کرد و از عکا به صقلیه (سیسیل) و قرطاجنه رفت و در سفر آخر به اسکندریه، در سال ۶۱۴ق. درگذشت. وی در توصیف جزئیات، با نثری زیبا که سجعی لطیف و هنرمندانه نیز دارد، یادگاری پربار از خود به جای نهاد؛ به گونه‌ای که آن را می‌توان یکی از سفرنامه‌های زیبا و جاودانه به شمار آورد. سفرنامه ابن جبیر، توسط مترجم سخت کوش، آقای پرویز اتابکی به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۳۷۰ش. از سوی انتشارات آستان قدس رضوی منتشر گردید. این نوشتار، برشی از قطعات جذاب این سفرنامه است. بی شک، این بریده، شما را از مطالعه تمام اثر، بی نیاز نمی‌کند.

ورود به کوفه

نیمه شب جمعه بیست و هشتم محرم یاد شده، به حرکت در آمدیم و بر قادسیه گذشتیم که آبادی بزرگی است و نخلستان‌های بسیار دارد و شاخه‌هایی از آب فرات آن را مشروب می‌کند و صبح، به نجف در آمدیم که پشت کوفه واقع است و گویی مرز بین کوفه و صحراست و زمینی است سخت و گسترده و دل باز که چشم را از گستردگی و نیکی خود می‌نوازد. ما هنگام طلوع آفتاب روز جمعه یاد شده، به کوفه رسیدیم و خدای را سپاس بر نعمت سلامتی که به ما ارزانی داشت.

کوفه شهری است بزرگ و کهن ساز که ویرانی بسیار بر آن دست یافته و (اکنون) ویرانه‌هایش بیش از آبادی‌های آن است. یکی از اسباب ویرانی کوفه، وجود قبیله خفاجه در همسایگی آن شهر است که همواره بدان گزند رسانند و همین بس که به توالی روزها و شب‌ها، بدان شهر در آیند و آن را غارت و ویران کنند. ساختمان‌های این شهر، به ویژه آجری است و شهر دیوار ندارد.

کوفه شهری است بزرگ و کهن ساز که ویرانی بسیار بر آن دست یافته و (اکنون) ویرانه‌هایش بیش از آبادی‌های آن است. یکی از اسباب ویرانی کوفه، وجود قبیله خفاجه در همسایگی آن شهر است که همواره بدان گزند رسانند و همین بس که به توالی روزها و شب‌ها، بدان شهر در آیند و آن را غارت و ویران کنند. ساختمان‌های این شهر، به ویژه آجری است و شهر دیوار ندارد.

مسجد کوفه

مسجد جامع کهنه، در انتهای شرقی شهر است و از سوی شرق، هیچ ساختمانی بدان مسجد که بسیار بزرگ است، پیوسته نباشد. این مسجد در سمت قبله، پنج رواق و در دیگر جوانب هر یک دو رواق دارد و این رواق‌ها را ستون‌های سنگی سخت تراش خورده‌ای است که قطعه بر قطعه بر روی هم نهاده شده و با سرب به هم پیوسته است؛ ولی طاق‌هایی بر آن صفت که در مورد مسجد پیامبر خدا ﷺ (در مدینه) ذکر کردیم، ندارد.

پیوسته به آخر رواق غربی نیز مسجد گونه‌ای کوچک باستون‌هایی از چوب ساج قرار دارد که جایگاه فوران آب از تنوری است که نشانه و آیتی برای نوح علیه السلام بوده و پشت آن، در بیرون مسجد، خانه‌ای است که وی در آن می‌زیسته و پشت آن خانه دیگری است که گویند: عبادتگاه ادریس صلی الله علیه و سلم بوده و پیوسته به این دو خانه، فضایی چسبیده به دیوار جنوبی مسجد واقع است که گویند: محل ساختن کشتی (نوح) بوده است.

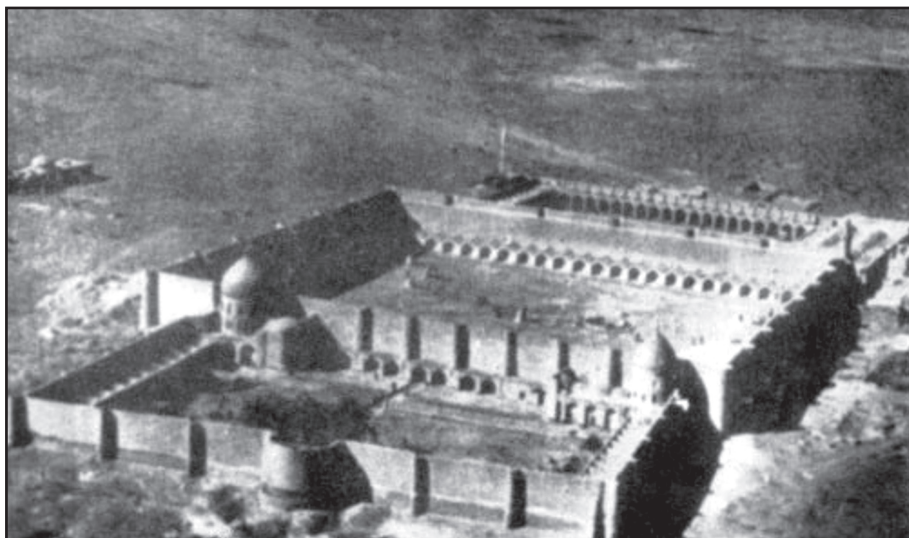
این ستون‌ها را بسیار بلند افراشته و (مستقیماً) به سقف مسجد پیوسته‌اند؛ چنان که دیدگان از فزونی بلندای آنها به حیرت می‌افتد و من در زمین، مسجدی با ستون‌هایی بلندتر و سقفی افراشته‌تر از آن مسجد ندیدم. این مسجد گرامی را آثاری ارجمند است؛ از جمله اتاقی به محاذات محراب در سمت راست کسی که روی به قبله بایستد و گویند: مصلاً ابراهیم صلی الله علیه و سلم بوده و بر آن پوششی سیاه افکنده‌اند که محفوظ ماند. از همان اتاق است که خطیب - که جامه‌ای سیاه می‌پوشد - برای ایراد خطبه، بیرون آید و مردم برای نماز گزاری در این جایگاه مبارک، ازدحام کنند. نزدیک آن (اتاق) در سمت راست نسبت به قبله، محرابی است که با ستون‌های ساج برآورده‌اند و از کف رواق بالاتر است؛ چنان که گویی (خود) مسجدی است کوچک و همان محراب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است رضی الله عنه در آن جایگاه بوده که شقاوت پیشه ملعون، عبدالرحمن بن ملجم، آن حضرت را به شمشیر زده است. مردم در آن جا، همراه با دعا و ندبه و زاری، نماز می‌گزارند. در گوشه‌ای دیگر از آن رواق جنوبی، پیوسته به آخر رواق غربی نیز مسجد گونه‌ای کوچک باستون‌هایی از چوب ساج قرار دارد که جایگاه فوران آب از تنوری است که نشانه و آیتی برای نوح علیه السلام بوده و پشت آن، در بیرون مسجد، خانه‌ای است که وی در آن می‌زیسته و پشت آن خانه دیگری است که گویند: عبادتگاه ادریس صلی الله علیه و سلم بوده و پیوسته به این دو خانه، فضایی چسبیده به دیوار جنوبی مسجد واقع است که گویند: محل ساختن کشتی (نوح) بوده است. در انتهای این فضا، خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه و اتاقی هست که او را در آن غسل داده‌اند و پیوسته به

آن خانه‌ای است که گویند: خانه دختر نوح صلی الله علیه و سلم بوده. ما شرح این آثار و بقایای گرامی را از زبان پیران شهر (کوفه) شنیدیم و چنان که ایشان گفتند، به قید نگارش در آوردیم و خدا، خود بر صحت تمام این مطالب آگاه‌تر است.

در سمت شرقی مسجد جامع، خانه‌ای است کوچک که در آن، قبر مسلم بن عقیل بن ابی طالب رضی الله عنه قرار دارد و در جنوب شرقی مسجد، با فاصله‌ای اندک از آن خانه، سقاخانه‌ای بزرگ از آب فرات تعبیه کرده‌اند که سه حوض بزرگ دارد.

مزار امیر مؤمنان علیه السلام

در یک فرسنگی غرب شهر مزاری گران قدر، منسوب به علی بن ابی طالب رضی الله عنه هست که ناقه حامل پیکر بی جان آن حضرت، در آن جا بر زمین نشسته و گویند: قبر حضرتش همان جاست و خدا به صحت این سخن آگاه‌تر است. در این زیارتگاه - چنان که به ما گفتند - ساختمانی است با شکوه، ما خود به سبب آن که هنگام درنگ در کوفه وقتی چندان فراخ نداشتیم و جز شب شنبه در آن شهر نخفتیم و صبح بعد، از آن شهر روانه شدیم، نتوانستیم آن مزار را به عیان بینیم.

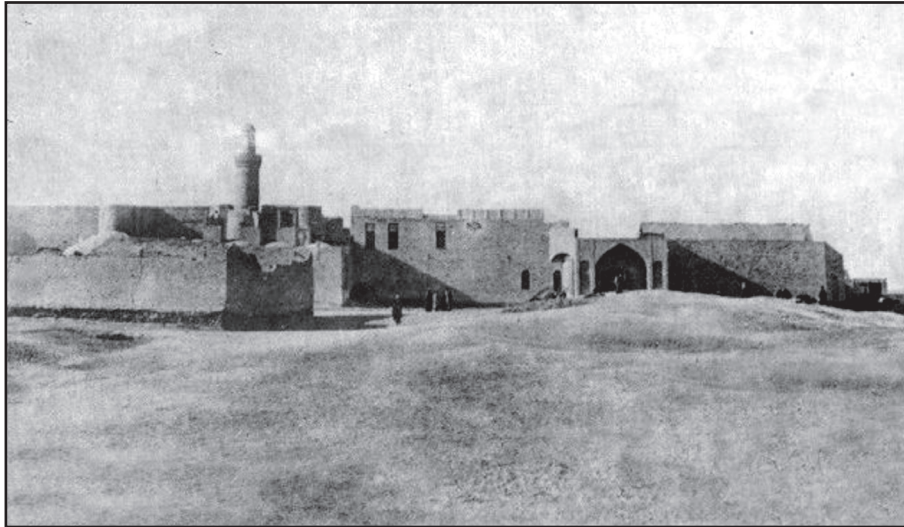


مسجد کوفه

شهر حله

نزدیک ظهر بر نهر منسرب، از شاخه‌های جدا شده از فرات، فرود آمدیم. فرات از سمت شرقی کوفه به اندازه نیم فرسخ فاصله دارد و سمت شرقی تمام نخلستان‌هایی است که سواد به سواد شهر پیوسته و تا آن جا که چشم به دید می‌آرد، امتداد دارد. ما از آن جا نیز روانه شدیم و شب یک شنبه آغاز ماه محرم، نزدیک حله خفتیم و سپس روز یکشنبه مذکور، بدان شهر در آمدیم.

حله، شهری است کهن بنیان و مستطیل گونه که از دیوار آن جز کمانی‌های گسیخته از دیوار گلین مدور قدیم، بر جای نمانده. این شهر بر کناره فرات است و از سوی شرق، بدان پیوسته و موازی با طول نهر فرات، امتداد دارد. حله را بازارهایی است با رونق؛ شامل تمام مؤسسات شهری و صنایع و حرفه‌های ضرور؛ شهری است قوی بنیان و آباد و پر جمعیت که نخلستان‌های درون و برون آن به هم پیوسته و خانه‌های شهری در میان نخلستان‌ها واقع شده است. ما در آن شهر، پلی بزرگ را مشاهده کردیم که بر پایه‌هایی عظیم، نصب شده بود و کناره‌ای را به کناره دیگر می‌پیوست و در دو کناره آن، زنجیرهایی آهنین، چون بازوان پیچیده استخوان و ستبر، کشیده شده بود که به چوب‌هایی که بر روی هر دو کناره، استوار کرده بودند پیوسته و نشانه توان‌مندی و قدرت تحمّل (آن پل) بود.



مسجد کوفه

رود فرات

این رود که چون نام خود، فرات (بسیار گوارا) است از پاکیزه ترین و سبک ترین آب هاست و رودی است بزرگ که کشتی ها بر روی آن به بالا دست و پایین دست، حرکت کنند.

مدائن

و شبانگاه به روستایی معروف به زیران رسیدیم. این روستا از بهترین و زیباترین و خوش منظره ترین و پهناورترین آبادی های روی زمین است که وسیع تر از دیگر روستاها و آبادی ها طرح ریزی شده واز همه نظایر خود، بوستان و گل و گیاه و نخلستان، بیشتر دارد. در این روستا، بازاری هست که بازارهای پر رونق شهری در پیش آن کوچک و حقیر می نماید. در نیکویی موضع این آبادی، همین بس که دجله بخش شرقی و فرات بخش غربی، آن را سیراب می کند و آن آبادی چون عروسی در میان این دو رود، به جلوه گری آراسته و گستره ها و روستاها و کشتزارها بین این دو رود گران قدر پر برکت، به هم پیوسته است. از (نشانه های) شرف این آبادی، یکی آن که در برابر آن، از سوی شرق، ایوان کسری قرار دارد و در محاذات آن، به سمت چپ، شهر مداین او (کسری) واقع شده و آن ایوان، ساختمانی است سر به هوا کشیده و بسیار سپید که از کاخ های آن، جز بخشی باقی نمانده است. ما آن ایوان بلند آستان را از فاصله یک میلی، درخشان و تابان دیدیم؛ اما شهر مداین اینک ویران است. ماسح رگه روز چهارشنبه سوم صفر، بر آن شهر گذشتیم و از درازا و گستردگی آن (شهر)، منظره ای شگفت آور دیدیم. نیز از فضیلت های این آبادی آن است که در شرق آن به اندازه نیم فرسنگ، مزار سلمان فارسی رضی الله عنه قرار دارد و این ناحیه جز به سبب فضل خاک خود، به فضیلت دفن چنان فرخنده پیکری پاک، اختصاص نیافته است. آبادی مذکور بر ساحل دجله واقع شده و دجله، میان این آبادی و آن مزار مبارک آثار، قرار گرفته است.